

تنها حربه باقیمانده دشمن ~ اختلاف افکنی است!



پایان جنگ جهانی در 1918 آغازی بود بر فروپاشی امپراطوری عثمانی و در حقیقت آخرین پله از موفقیت های بزرگ استعمار نوین غربی در تضعیف جهان اسلام محسوب می شد. استعماری که حضورش در مناطق اسلامی غرب آسیا بخاطر حضور ابرقدرتهای اسلامی چند قرن به تاخیر افتاده بود، پس از تقسیم این ابرقدرتها به کشورهای کوچک و کوچک تر، برای تثبیت حضور خویش در منطقه، اقدام به ایجاد رژیم جعلی صهیونیستی در قلب کشورهای اسلامی کرد. این اقدام گرچه توازن امنیتی منطقه را بهم ریخت اما موجی از جریان موسوم به مقاومت را نیز در بدنه ملت های مسلمان ایجاد کرد. مسلمانان که هنوز از ضربه تجزیه کشورهای خویش زخمی بودند، با این اقدام علنی و قیحانه، شوری جدید یافته و در همان سال یعنی 1948 با اشغالگران درگیر شدند. از آن پس فلسطین مفهومی بود که در رشد یا افول جریان های سیاسی کشورهای اسلامی نقش آفرینی می کرد. چندی بعد یعنی در 1956 جمال عبدالناصر توانست با همکاری روسها ضرباتی را به اشغالگران و انگلیس و فرانسه بزند. همین کافی بود تا موج ملی گرایی را در جهان اسلام و خصوصا عربها گسترش داده و زمینه ساز خروج استعمار از کشورهای منطقه را نیز مهیا سازد. لیکن این موج تا جنگ شش روزه 1967 دوام آورد و پس از آن شکست خفت بار، به افول گرایید.

حالا زمینه گرایش به اسلام گرایان مهیا شده بود. اقبال عمومی به جنبش های اسلامی بتدریج روی به فزونی گذاشته بود که با انفجاری همسو در منطقه مواجه شد. انقلاب اسلامی ایران بعنوان اولین اقدام بزرگ و موفق اسلامگرایان پس از فروپاشی امپراطوری های اسلامی پای به میدان رقابت با دو قطب چپ و راست گذارد و موجی از شور و امید را در مسلمانان ایجاد کرد. زین پس در اکثر کشورهای اسلامی شاهد اقدامات متعدد اسلامگرایان هستیم که همگی با برخورد و سرکوب مواجه شدند. رقابت دو قطب چپ و راست درباره این قدرت نوظهور به رفاقت بدل شد و در حمایت تسلیحاتی صدام خود را نشان داد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه نود، آمریکا ها که خود را تنها و بی رقیب می دیدند طرحهایی را برای تسلط بیشتر بر منطقه غرب آسیا مهیا کردند که حمله عراق به کویت زمینه ساز آغاز آن در منطقه شد. این بار دشمن هراسناک غرب، نه قطب چپ که اسلام بود. در آن سوی اما حرکت اسلامی نیز روی به جلو گام بر می داشت و هر روز بر امیدواری خویش می افزود. جریان همراهی با رژیم صهیونیستی که توسط سادات و با امضای کمپ دیوید تقریبا همزمان با انقلاب اسلامی بالا گرفته بود در کشورهای عربی نیز رواج یافت ولی همزمان، انقلاب اسلامی ایران، حامی و مدافع جریان مقاومت شد و از نزج جریاناتی چون جهاد اسلامی، حزب الله و حماس که همگی در دهه هشتاد میلادی ایجاد شدند حمایت کرد. این جریان توانست خیال پردازی های آمریکایی ها برای منطقه را با شکست مواجه سازد. انتفاضه های فلسطینیان و مقاومت حزب الله لبنان کار را برای حاکمیت علی الاطلاق رژیم صهیونیستی بعنوان نماینده اقتدار غربی در منطقه سخت کرد و ضربه سال 2000 میلادی آنان را از رؤیای شیرین نیل تا فرات دور ساخت. آمریکایی ها که به خوبی از پتانسیل بالقوه موجود در جهان اسلام آگاه بودند، با طرحهایی جدید و این بار با هدف تبدیل اسلام به دشمنی هراسناک در غرب وارد میدان شدند. یازده سپتامبر بهانه حضور در افغانستان و عراق را مهیا نمود ولی توهنات آنان برای تسلط بر منطقه را با شکست روبرو ساخت. ضربات جریان مقاومت نیز پی در پی از راه می رسید و هر روز بر تقویت هویت اسلامی می افزود. جنگهای 33 روزه و 22 روزه در حکم ضربات نهایی برای رژیم صهیونیستی بودند. این موج امید به موج اجتماعی بدل شد و بیداری اسلامی شکل گرفت. دشمن اما با تحلیل دقیق شرایط منطقه، راهکار مهار پتانسیل بینهایت موجود در مسلمانان را ایجاد اختلافات مذهبی و فرقه ای تشخیص داد لذا همزمان با پیگیری پروژه اسلام هراسی برای ساکنان مغرب زمین، نسخه اختلاف شیعه و سنی را برای مسلمانان پیچید. بحران سوریه فرصتی شد تا دشمن، در ذیل آن این موج را تقویت و هدایت نماید و جریاناتی که از دیرباز روی آنها سرمایه گذاری کرده بود را فعال نماید.

بحران سوریه به درگیری شیعه سنی تعبیر شد و موج اختلافات مذهبی را دامن زد. همزمان ابزار رسانه نیز فعال شد و افراطیون طرفین بازی گردان این میدان شدند. در خلال این پروژه، بخشی از هویت یابی اسلامی مردم منطقه که در اوج خود قرار گرفته بود، کنترل گردید. اسلامگرایان در مصر با کودتا برکنار شدند و سایر کشورهای درگیر بیداری اسلامی نیز دچار مشکلاتی گردیدند. آمریکایی ها بهتر از همه می دانستند که اگر اجازه بدهند سیل انرژی اسلامگرایی که با عبور از سد دیکتاتوری های عربی جاری شده بود در مسیر درست آن قرار گیرد، زمین های بسیاری را آبیاری خواهد کرد و بصورت تصاعدی، منافع آنان و فرزند نامشروع شان در منطقه را مورد تهدید قرار خواهد داد، از همین رو آخرین حربه خودشان یعنی افراطیون مذهبی و تحریک عواطف دینی را به میدان آورده و برای ایجاد انحراف در این سیل خروشان بهره برداری کردند. از همین روست که رهبر بصیر انقلاب علاوه بر آنکه تاکید می کنند " احساس هویت اسلامی امروز در مسلمانان، در هر نقطه ی عالم، نیرومند شده است و نیرومند خواهد شد" اصرار می کنند که حربه امروز دشمن برای مقابله با اسلام تضعیف انرژی های اسلامی توسط یکدیگر و جنگ درون تمدنی است: "امروز در دنیا دشمنانی به صورت علنی با اسلام مقابله میکنند؛ مقابله ی آنها در درجه ی اول با ایجاد اختلاف است. عمیق ترین اختلافها و خطرناک ترین اختلافها، اختلافهای عقیدتی و ایمانی است" باشد که نخبگان بیدار و کسانی که دغدغه عزت و قدرت اسلام را دارند، در عمل مصلحانه خویش، برادری اسلامی را رواج بدهند و آنرا تنها راه مقابله با بوق های تفرقه افکنی بدانند که امروز عامه جامعه را نسبت به برادر مسلمان خویش بدبین می کند. ان شاء الله

منبع: مجله الکترونیکی اخوت

